

شرح رساله حقوق

عرض کردیم حق صوم، طبق بیان امام سجاد (علیه السلام) این است که بدانی و معرفت پیدا کنی و شناخت پیدا کنی که حقیقت روزه چیست؟ «وَأَمَّا حَقُّ الصَّوْمِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ وَ فَرْجِكَ وَ بَطْنِكَ».

گفتیم مهم ترین حق هر عبادتی، معرفت به حقیقت آن عبادت است. طبق این بیان، حقیقت روزه عبارت است از حجایی که بر روی اعضا و جوارح انسان می افتد. این هم اشاره دارد به آن چیزهایی که می تواند مُفْطِر باشد یا مُفْطَر باشد؛ یعنی روزه را باطل می کند. بطن به خوردنی ها و آشامیدنی ها مربوط می شود، فرج هم به استمناعات مربوط می شود. اگر شما همه مفطرات را نیز با هم در نظر بگیرید، عمدتاً به خوردنی ها و آشامیدنی ها و نیز استمناعات نظر دارد؛ حال آن ده یازده مورد که نام برده است. اما در مورد لسان، سمع و بصر، به امری فراتر از مفطرات روزه توجه و تنبه می دهد.

مراتب روزه

در واقع به گمان من، این جمله اشاره دارد به دو مرتبه از مراتب روزه، هرچند مرتبه بالاتری نیز هست.

مرتبه اول

مرتبه اول، امساک از خوردنی و آشامیدنی و مایلحق بهما یعنی فرج و بطن است: «حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى فَرْجِكَ وَ بَطْنِكَ».

مرتبه دوم

یک مرتبه بالاتر که دیگر از اعضا و جوارح بالاتر می رود و در واقع به قلب و روح اشاره می کند حجایی است که بر زبان، گوش و چشم باید زده شود.

شما در مفطرات هیچ جا ندارید که مثلاً نگاه به نامحرم روزه را باطل می کند؛ جایی چنین چیزی ذکر نشده است یا دروغ گفتن روزه را باطل می کند، بله، دروغ بستن به خدا و پیغمبر روزه را باطل می کند، ولی حداقل این ها به عنوان شرایط صحت ذکر نشده. یا مثلاً شنیدن غیبت، یا شنیدن صدای نامحرم با شرایطش، این ها جزو مفطرات ذکر نشده است.

بنابراین اگر روزه را به عنوان حجاب و پرده بر این سه عضو ذکر می کند، یعنی یک گام به عمق این عبادت پیش رفتن. اینکه روزه فقط منحصر در ظاهر امر نشود؛ روزه فقط منحصر به امساک از خوردنی و آشامیدنی و منحصر به این ها نشود. می خواهد بگوید این روزه باید به روح و قلب و جان انسان نفوذ بکند. اگر بخواید روزه در یک مرتبه عمیق تر یعنی به قلب، روح، ذهن و جان آدمی اثر بگذارد، باید بر این دروازه های واردات ذهنی را ایست و بازرسی بگذارد و به اصطلاح کنترل کند. گوش، چشم، زبان، هم واردات است، هم صادرات. قبلاً اشاره کردم، این ها در واقع دروازه ها و مبادی ورودی و خروجی قلب و روح انسان هستند. چه چیزهایی وارد می شود در ذهن، چه چیزهایی خارج می شود. با زبان صادرات انجام می شود؛ یعنی آنچه که در درون ماست حالا یا فکر است یا اندیشه، یا کینه است یا نفرت یا محبت، هرچه هست تلخ و شیرین.

حال یک وقت کسی نفاق دارد، دورویی دارد، خیلی هم کنترل می کند برای حفظ ظاهر که حرف نادرستی از زبانش خارج نشود، اما باطنش فاسد است. منافق حسابش جداست.

اما به طور طبیعی، زبان راه و طریق بیان خواسته ها، افکار، اندیشه ها، آمال و تمایلات است. این نیز می تواند هم تلخ باشد هم شیرین، هم مثبت باشد هم منفی. می گوید این باید کنترل شود؛ روزه حجاب بر زبان است، یعنی جلوی صادرات را باید بگیرد؛ هر چیزی صادر نشود، هر حرفی را نزنند، نیش نزنند، کنایه نزنند، اذیت نکند.

سمع و بصر، گوش و چشم، این‌ها را هم کنترل کند. این‌ها دیگر مال واردات ذهنی است. اگر حجاب بر سمع و بصر نباشد، روح آلوده می‌شود. روح آلوده هم نمی‌تواند به حقیقت روزه برسد. «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» به عنوان غایت روزه ذکر شده که با رهاشدگی سمع و بصر پدید نمی‌آید؛ فقط تشنگی و گرسنگی است. اما حقیقت و باطن روزه، محقق نمی‌شود. برای تحقق آن انسان باید غیبت نشنود، چشمش هرجا نرود، مواظب باشد به هر چیزی ننگرد. مشکل بسیاری از ما همین است که حقیقت را درک نمی‌کنیم. این «حِجَابُ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ وَ فَرْجِكَ وَ بَطْنِكَ» درست است، اغلب آن دو تا را در ایام ماه رمضان رعایت می‌کنند، حتی همان هم معلوم نیست چگونه، نصفه‌نیمه است، مال شبهه‌ناک، خدایی نکرده مال حرام، روزه می‌گیرد، کلاه سر مردم می‌گذارد. اما اگر حجاب بر این سه عضو رعایت نشود، عمق روزه و حقیقت روزه پدید نمی‌آید؛ یعنی آثارش، برکاتش حاصل نمی‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»